

سال‌های سگ

گونتر گراس

برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبی ۱۹۹۹

ترجمهٔ

حسن نقره‌چی



انتشارات نیلوفر

یادداشت مترجم

کتابی را که پیش روی دارید یکی از معروف‌ترین رمان‌های گونتر گراس به نام سال‌های سگ است و مثل اغلب آثار او دارای پیچیدگی‌های خاص خود. مترجم برای فهمیده‌شدن آن هرجا که لازم بود، به معرفی افراد و شرح نکات مبهم در پانویس پرداخته و سعی داشته تا حد امکان در ترجمه‌ی فارسی امانت‌دار باشد و متن فارسی را به زبان متن اصلی نزدیک نماید. مسلماً به‌خاطر اختلاف فرهنگ و زبان این امر کاملاً میسر نمی‌شود. نخستین پرسشی که برای خواننده‌ی آشنا به ادبیات پیش می‌آید، عنوان کتاب است که همیشه و از همان هنگام منتشرشدنش به زبان آلمانی به‌نام سال‌های سگی در فارسی ترجمه شده و این نام چنان‌جا افتاده که حتی خود من هم تا پایان ترجمه‌ی کتاب همین عنوان را بر آن گذاشته بودم، اما این عنوان نه تنها از دقت کافی برخوردار نیست که حتی با منظور نویسنده مغایرت هم دارد، چرا که اینجا از نام سگ، صفت سگی ساخته شده و این برای خواننده‌ی ایرانی بار منفی دارد و او را بی‌اختیار به یاد سال‌های نحس و شوم می‌اندازد که با این‌که بخشی از کتاب به‌خاطر تسلط مطلق فاشیسم بر آلمان چنین هم است، اما اصلاً منظور نویسنده نیست. او از دو اسم سال و سگ، اضافه‌ی تملیکی ساخته و سال‌ها را به تملک سگ درآورده و در هر سه بخش کتاب یک سگ را محور داستان قرار داده است.

نخستین شیفت صبح

تو بگو! نه شما بگویید! یا تو می‌گویی؟ شاید باید هنرپیشه شروع کند؟ یا مترسک‌ها باید همه با هم قر و قاطی بگویند؟ یا می‌خواهیم صبر کنیم تا قمر در برج دلو آید؟ خواهش می‌کنم شما شروع کنید. هر چه باشد سگ شما بود، اما پیش از سگ من سگ شما و سگ پس انداخته‌ی سگ بود. یکی از ما باید شروع کند: تو یا او، شما یا من.... چندین و چند غروب پیش از این، خیلی پیش از آن‌که ما به وجود آییم و ایکسل^۱ هرروز و هرروز جریان داشت و بی‌بازتاب تصویرمان همیشه و همواره به دریا می‌ریخت.

آن‌که فعلاً قلم می‌زند نام براکسل^۲ را یدک می‌کشد و رییس معدنی است که با وجودی که پتاسیم و سنگ آهن و زغال سنگ از آن استخراج نمی‌شود، در سالن‌های مختلفش و راهروهایش و در بخش حسابداری و بسته‌بندی‌اش در هر شیفت کاری یکصد و سی و چهار کارگر و کارمند کار می‌کنند.

در روزگار قدیم و ایکسل جریان‌ی خطرناک و بی‌نظم داشت. تا آن‌که هزار کارگر روزمزد به خدمت گرفته شدند و در سال هزار و هشتصد و نود و پنج از اینالاگه^۳ به سمت شمال از میان دو روستای باریک و دراز شیون‌هورست^۴ و نیکلزوالده^۵ ترعه‌ای حفر کردند. ترعه‌ی جدید به وایکسل مسیری مستقیم و خط‌کشی شده داد و از خطر جاری شدن سیلاب کاست.

1. Weichsel

2. Brauxel

3. Einlage

4. Schiewenhorst

5. Nickelswalde